



A Structural Analysis of Types of Comparative Simile in Sa'dī's Ghazals

Nafiseh. Irani¹  - Shahriyar. Shadigo^{2*} - Khadijeh. Mohammadi³

1: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature Education, Farhangian University, Tehran, Iran.

2: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature Education, Farhangian University, Tehran, Iran (Corresponding Author) : sh.shadigo@cfu.ac.ir

3: PhD graduate in Persian Language and Literature from the University of Kurdistan.

Abstract: Comparative simile is one of the most important and hyperbolic types of simile, which not only revitalizes the simile but also adds many aesthetic dimensions to the expression. Despite its structural diversity, this type of simile has been narrowly defined in sources concerning rhetoric and the art of eloquence, limiting its structural range to a form where the tenor is first likened to the vehicle and then preferred over it. This oversight has occurred because rhetoricians have not paid attention to the diverse structures of this type of simile in their works. However, the structural range of comparative simile is unlimited and includes multiple and extensive forms. This study employs a library-based method to examine a selection of 254 Sa'dī's ghazals using the "Cochran" formula and a systematic random sampling method. Accordingly, in addition to redefining the comparative simile, various structural forms of comparative simile are extracted and introduced. In these 254 ghazals of Sa'dī, comparative simile appears in 315 verses out of a total of 2536 verses, in which 37 completely diverse and different structural patterns can be discerned. The high frequency and structural diversity of this simile indicate that comparative simile is one of the main pillars of Sa'dī's ghazals and one of the stylistic features of his poetry, encompassing approximately 12% of his verses. The variety and frequency of this type of simile in Sa'dī's ghazals indicates the pivotal role of comparative simile and its contribution in the portrayal of a unique unattainable and beloved in Sa'dī's ghazals.

Keywords: rhetoric, Simile, Comparative Simile, Structural Patterns of Simile, Sa'dī's Ghazals.

- N. Irani; Sh. Shadigo; Kh. Mohammadi (2025). "A Structural Analysis of Types of Comparative Simile in Sa'dī's Ghazals". Semnan University: *Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*. 16(41). 287-332.

[Doi: 10.22075/jlrs.2024.35146.2515](https://doi.org/10.22075/jlrs.2024.35146.2515)

سال شانزدهم - شماره ۴۱ - پاییز ۱۴۰۴

صفحات ۳۳۲-۲۸۷ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۳/۰۶/۰۵ بازنگری ۱۴۰۳/۰۹/۲۹ پذیرش ۱۴۰۳/۱۰/۰۸

تحلیل ساختاری انواع تشبیه تفضیل در غزلیات سعدی

نقیسه ایرانی^۱ / شهریار شادی گو^۲ / خدیجه محمدی^۳

۱: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان، ایران، تهران.

۲: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان، ایران، تهران (نویسنده مسئول)

۳: دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

sh.shadigo@cfu.ac.ir

چکیده: تشبیه تفضیل یکی از انواع مهم و اغراق‌آمیز تشبیه است که علاوه بر اینکه موجب نوسازی تشبیه می‌شود، جنبه‌های زیبایی‌شناسی بسیاری را نیز به سخن می‌افزاید. با وجود گستردگی ساختاری این نوع تشبیه، کتب بلاغی آن را به شکلی محدود تعریف کرده‌اند؛ به این معنا که تنها نوعی از تشبیه را شامل می‌دانند که در آن ابتدا مشبه، به مشبه‌بھی تشبیه می‌شود و سپس بر آن ترجیح داده می‌شود. این رویکرد، ناشی از بی‌توجهی به تنوع ساختاری تشبیه تفضیل است؛ درحالی‌که این نوع تشبیه الگوهای متنوع و گسترده‌ای دارد. درحالی‌که نه تنها دامنه ساختاری تشبیه تفضیل محدود نیست، بلکه اشکال و ساخت‌های متعدد و گسترده‌ای را شامل می‌شود. در این مقاله، از روش مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی برای گردآوری مفاهیم نظری، و از تحلیل محتوای کیفی برای بررسی ۲۵۴ غزل از غزلیات سعدی (که با استفاده از فرمول «گوکران» و روش تصادفی نظام‌مند انتخاب شدند) استفاده شده و علاوه بر بازتعریف تشبیه تفضیل، اشکال مختلف ساختاری آن با توجه به این غزل‌ها استخراج و معرفی شده است. در این تعداد از غزلیات سعدی، تشبیه تفضیل از بین ۲۵۳۶ بیت، ۳۱۵ بیت را به خود اختصاص داده که سعدی برای ساخت آن از ۳۷ الگوی ساختاری کاملاً متنوع و متفاوت استفاده کرده است. وجود این تشبیه با چنین بسامد بالا و چنین تنوع ساختاری، دلالت بر این امر دارد که تشبیه تفضیل یکی از ارکان اصلی غزلیات سعدی و یکی از ویژگی‌های سبکی غزلیات او است که حدود ۱۲ درصد از ابیات او را در بر می‌گیرد. این تنوع و بسامد نشان‌دهنده نقش محوری تشبیه تفضیل در غزلیات سعدی و تأثیر آن در خلق معشوقی دست‌نیافتنی و بی‌همتا است.

کلیدواژه: بلاغت، تشبیه، تشبیه تفضیل، الگوی ساختاری تشبیه، غزلیات سعدی.

- ایرانی، نقیسه؛ شادی گو، شهریار؛ محمدی، خدیجه (۱۴۰۴). «تحلیل ساختاری انواع تشبیه تفضیل در غزلیات سعدی».

دانشگاه سمنان: مطالعات زبانی و بلاغی. ۱۶(۴۱). ۲۸۷-۳۳۲.

Doi: 10.22075/jlrs.2024.35146.2515

۱. مقدمه

تشبیه (simile) یکی از شیوه‌های پرکاربرد صورخیال و از ارکان چهارگانه علم بیان است که از دیرباز سخن‌سرایان و شعرا به آن توجه داشته‌اند. این شیوه بیانی به معنای مانند کردن چیزی به چیزی دیگر است، بر اساس نوعی تخیل و اغراق و به همین علت، تصویرآفرین و مخیل است. بلاغیون از گذشته تا کنون، به مبحث تشبیه پرداخته‌اند و آن را بر اساس معیارهای مختلف بررسی و طبقه‌بندی کرده‌اند. تشبیه در اغلب کتب بلاغت عربی و حتی کتب فارسی، در حوزه علم بیان و در کنار استعاره، کنایه و مجاز قرار گرفته است. از جمله معیارهایی که در اکثر کتب بلاغی برای طبقه‌بندی تشبیه استفاده شده است، تقسیم‌بندی آن بر اساس طرفین تشبیه به لحاظ حسی بودن یا عقلی بودن، مفرد و جمع بودن طرفین تشبیه، ادات تشبیه و وجه شبه است و بر همین اساس تشبیهاتی چون تشبیه حسی و عقلی، تشبیه مفرد و مرکب، تشبیه مرسل و مؤکد، تشبیه مجمل و مفصل، تمثیل و غیرتمثیل، تشبیه مطلق، ملفوف، مفروق، جمع، تسویه و مانند آن به خوانندگان عرضه شده است.

تشبیه به دلیل گستردگی و همچنین نوآوری‌هایی که در طول زمان در به‌کارگیری آن به کار رفته است، تنها محدود به شیوه‌های ذکر شده نمی‌شود؛ بلکه شیوه‌های دیگری را در دل خود جای داده است که به نوعی شیوه‌های نوسازی و فرار از ابتدال در تشبیه هستند. به این شیوه‌ها در اکثر کتب بلاغی اشاره شده است که در ادامه مفصل به آن‌ها اشاره خواهیم کرد و تقریباً در تمامی آن‌ها، این شیوه‌ها را ابزارهایی برای نوسازی تشبیه دانسته‌اند که موجب نو کردن تشبیه مبتدل و تبدیل آن به تشبیه بعید می‌شوند. این شیوه‌ها معمولاً در قالب تشبیه تفضیل، تشبیه مشروط، تشبیه معکوس و تشبیه مضمّر آمده‌اند.

آنچه در مقاله حاضر به عنوان مسئله مورد بررسی مطرح می‌شود، بحث تشبیه تفضیل است. دلیل انتخاب این نوع از تشبیه از میان انواع دیگر تشبیه، این است که این نوع خاص از تشبیه با وجود اهمیت ویژه و ارزش زیبایی‌شناسی و هنری بالای خود در مبحث تشبیه یا در کتب بلاغی ذکر نشده یا اینکه به شکلی محدود تعریف شده و الگوهای

ساختاری آن تنها در قالب یک الگوی ساده گنجانده شده است که در آن، ابتدا مشبه به مشبه‌بھی تشبیه می‌شود و سپس به دنبال آن، مشبه بر مشبه‌به ترجیح و تفضیل داده می‌شود؛ اما این در حالی است که این نوع تشبیه بسیار گسترده‌تر از این الگوی ساختاری است و این الگو، تنها یکی از زیر ساخت‌های تشبیه تفضیل است و دامنه آن را باید وسیع‌تر دید. در این مقاله، تشبیه تفضیل اگرچه یکی از شیوه‌های نوسازی تشبیه به شمار می‌رود که در آن نوعی ابتکار و خلاقیت نهفته است، معنای آن با توجه به مفهوم نهفته در خود واژه «تفضیل»، هر نوع برتری دادن مشبه بر مشبه‌به است که در آن ادعا شود، وجه شبه در مشبه، برجسته‌تر و کامل‌تر از مشبه‌به است و با توجه به این نوع نگاه، حوزه این نوع تشبیه بسیار گسترده می‌شود. بر همین اساس، برای بازنمایی شیوه‌های ساختاری و اشکال به کارگیری این نوع تشبیه، غزلیات سعدی انتخاب شده است. دلیل این انتخاب، برجستگی این نوع تشبیه به عنوان ویژگی سبکی سعدی در غزلیات عاشقانه او و همچنین تبحر و خلاقیت او در آفرینش این نوع خاص از تشبیه است که با بسامدی بالا در غزلیاتش به کار رفته است. برای این بررسی، در ادامه بعد از معرفی پیشینه و روش پژوهش، ابتدا نظر بلاغیون عرب و ایرانی در مورد تشبیه تفضیل بیان می‌شود و پس از آن، نظر نگارندگان این مقاله در بازتعریف تشبیه تفضیل و همچنین اشکال و الگوهای ساختاری این نوع تشبیه ارائه می‌گردد.

۱-۱. پرسش‌ها

در این پژوهش بر آنیم تا پاسخ مناسبی برای این سؤالات بیابیم:

- ۱-۱-۱. چه بازتعریفی از تشبیه تفضیل می‌توان به دست داد که جامع و کامل باشد؟
- ۱-۱-۲. تشبیه تفضیل چه قالب‌های ساختاری و معنایی در غزلیات سعدی دارد؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

چنان‌که گفته شد، مبحث تشبیه تفضیل از مباحثی است که هم در کتب بلاغی و بیانی که در بخش بعدی به آن‌ها اشاره می‌شود و هم در مقالات پژوهشی، کمتر به آن پرداخته شده است؛ چراکه از نظر اغلب پژوهشگران، این نوع تشبیه، یکی از فروع جزئی تشبیه و از شیوه‌های نوآوری در آن است که در آن، بعد از تشبیه مشبه به مشبه‌به، مشبه

تحلیل ساختاری انواع تشبیه تفضیل در غزلیات سعدی ————— ۲۹۱
بر مشبه به ترجیح داده می‌شود. این نگاه موجب شده است که الگوهای ساختاری آن، محدود قلمداد شود. در زمینه خود تشبیه تفضیل، تنها مقالاتی که به عنوان پیشینه می‌توان از آن‌ها یاد کرد، موارد زیر است و البته بیشتر، شامل مقالاتی می‌شود که بر آثاری دیگر، غیر از غزلیات سعدی کار شده است:

در مقاله «نگاهی تازه به تشبیه تفضیل» از امید مجد و سعید مهدوی فر اگرچه نویسندگان، تشبیه تفضیل را بررسی کرده‌اند، اما بررسی آن‌ها بیشتر متمرکز بر اشعار حافظ است و ساختار تشبیه بسیار وسیع‌تر از آن چیزی است که مؤلفان این مقاله به آن پرداخته‌اند؛ زیرا آنان تنها تشبیهاتی را که زیرمجموعه تشبیه تفضیل قرار می‌گیرند، به عنوان تشبیه تفضیل قرار داده‌اند و به ساختار تشبیه تفضیل کاری نداشته‌اند.

در مقاله «تشبیه تفضیل در شعر عماد فقیه» از یحیی طالبیان، نویسنده تشبیه تفضیل را به عنوان یکی از راه‌های نوسازی تشبیه در شعر عماد فقیه بررسی کرده و ویژگی‌هایی را برای آن بر شمرده، اما به الگوهای ساختاری آن پرداخته است.

مقاله «ماهیت و زیبایی‌شناسی تشبیه مقلوب» از ناصر قلی سارلی که در آن به تعریف تشبیه مقلوب و ارائه انواع آن پرداخته، اما هیچ‌گونه اشاره‌ای به بحث تشبیه تفضیل نداشته است.

مقاله «نگاهی انتقادی به شگردهای نوسازی تشبیه در باب پنجم گلستان سعدی و روضه ششم بهارستان جامی» از سپیده اسکندری و دیگران که در آن از تشبیه تفضیل به عنوان یکی از ابزارها برای نوسازی تشبیه و رفع ابتدال از آن در کنار ابزارهای دیگری مثل تشبیه مشروط، تشبیه مقید، تشبیه غریب بعید، تناسی تشبیه و... نام برده است.

اما در مورد غزلیات سعدی که موضوع مورد بحث در این پژوهش است، علاوه بر مقالاتی که این اثر را با رویکردهای دیگری غیر از رویکرد این مقاله بررسی کرده‌اند، سه مقاله زیر در این زمینه شایسته ارجاع است:

در مقاله «تشبیهات هنری در غزل سعدی» از یحیی طالبیان، نویسنده تشبیه را از دیدگاه اغراق هنری در غزل سعدی بررسی کرده است؛ ایشان از چهار نوع تشبیه مضمّر،

تفضیل، مشروط و عکس به‌عنوان تشبیهات هنری یاد کرده‌اند که موجب رفع ابتذال در تشبیه می‌شوند. در واقع، ایشان در این مقاله، بیشتر متمرکز بر جنبه‌های زیبایی‌شناسی تشبیه تفضیل بوده‌اند و به الگوهای ساختاری و اشکال به‌کارگیری آن توجهی نداشته‌اند. مقاله «شیوه‌های نو سعدی در استفاده از تشبیه و استعاره در غزل» از مسعود روحانی و سید محسن مهدی‌نیا چوبی. در این مقاله به‌طور کلی، به صورخیال در غزل سعدی پرداخته شده و در مورد تشبیه تفضیل به‌عنوان یکی از انواع تشبیه در غزل سعدی، تنها به آوردن چند مصداق از آن در شعر سعدی اکتفا شده است؛ بدون آنکه به الگوهای ساختاری آن پرداخته شود.

مقاله «بررسی جایگاه تشبیه و تمثیل در اندیشه‌های تعلیمی سعدی» از حسین آقا حسینی و الهام سیدان. نویسندگان در این مقاله، به‌طور کلی، کارکردهای تشبیه را در بیان اندیشه‌های تعلیمی سعدی بررسی کرده‌اند و کاری به الگوهای ساختاری تشبیه، آن هم تشبیه تفضیل نداشته‌اند.

با توجه به پیشینه پژوهش، مشخص می‌شود که تشبیه تفضیل مبحثی است که ناگفته-های بسیاری دارد؛ به‌ویژه در غزلیات سعدی که این تکنیک هنری، با بسامد بالایی به کار رفته و جزئی از ویژگی سبکی سعدی شده است و مستلزم توجه موشکافانه‌تری در این زمینه است؛ بنابراین در این مقاله، با در نظر گرفتن پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه، سعی شده است تا این نوع خاص از تشبیه به‌صورت گسترده‌تری از نظر اشکال به-کارگیری و الگوهای ساختاری تشبیه تفضیل، بررسی شود. در همین راستا، غزلیات سعدی برای این بررسی انتخاب شده است. جامعه آماری این مقاله، ۶۳۷ غزل است که با استفاده از روش فرمول «کوکران»، تعداد ۲۵۴ غزل آن به روش تصادفی نظام‌مند انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. جایگاه تشبیه تفضیل در بلاغت قدیم و جدید

برای مراجعه به سابقه بحث تشبیه تفضیل باید به منابع بلاغت عربی و ایرانی مراجعه کرد. با وجود اهمیتی که کتب متقدم عربی در بلاغت دارند، متأسفانه بحث تشبیه تفضیل

در منابع عربی متقدم، متروک مانده است و جایگاهی در بین صاحب‌نظران بزرگی چون جرجانی، تفتازانی، ابن معتر، ابن جنی و مانند آن‌ها ندارد. در بین این صاحب‌نظران عرب، در بحث تشبیه بیشتر، مباحثی چون طرفین تشبیه از نظر حسی یا عقلی بودن مورد توجه بوده است. تنها باب نزدیک به تشبیه تفضیل را که آن‌ها مطرح کرده‌اند، بحث «تشبیه قلب یا منعکس یا مقلوب» است که نام‌های دیگری را نیز برای آن پیشنهاد کرده‌اند. در این زمینه، مهم‌ترین کسی که می‌توان از او یاد کرد، «عبدالقاهر جرجانی» است. ایشان در کتاب خود هیچ اشاره‌ای به بحث تشبیه تفضیل ندارند؛ اما در باب تشبیه مقلوب و معکوس نظریاتی را ارائه داده‌اند که بی‌ارتباط با تشبیه تفضیل نیست. تشبیه مقلوب به قول عبدالقاهر جرجانی در اسرار البلاغه، تشبیهی است که در آن، قلب دو سوی تشبیه ناممکن است؛ در حالی که از نظر ایشان در تشبیه معکوس، دو چیز را به همدیگر، هر کدام به وجهی خاص تشبیه کنند؛ به این معنا که ابتدا چیزی را به چیزی تشبیه کنند، سپس همان مشبه به را به همان مشبه مانند می‌کنند؛ به گونه‌ای که در هر یک، وجه شبه متفاوتی وجود دارد (جرجانی، ۱۳۶۱: ۱۳۶-۱۳۵).

اما بر خلاف بلاغت عربی، در بلاغت ایرانی، از دیرباز در کتاب‌های بلاغت قدیم و جدید، بحث تشبیه تفضیل مطرح شده است. اولین منبع در این زمینه، کتاب ترجمان البلاغه (قرن ۵ هجری قمری) است که به‌عنوان اولین کتاب ادب پارسی در حوزه بلاغت و صناعات ادبی، به صراحت لفظ تشبیه تفضیل را به کار نبرده است؛ اما «محمد بن عمر راوندی» در این کتاب از تشبیهی با ویژگی‌های تشبیه تفضیل آگاه بوده و از تشبیهی به نام تشبیه «مرجوع عنه» نام برده است که در واقع، نوعی از تشبیه تفضیل است (به نقل از مجد و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۶۰). بعد از این اثر، در کتاب حدائق السحر، رشیدالدین وطواط (قرن ۶ هجری قمری) از تشبیه تفضیل سخن گفته است. در حدائق السحر آمده است: «این صنعت چنان باشد که شاعر چیزی را به چیزی مانند کند، باز از آن برگردد و مشبه را بر مشبه به، ترجیح و تفضیل نهد» (وطواط، ۱۳۶۲: ۵۰). پس از این دو منبع، شمس

قیس رازی قرار می‌گیرد که معتقد بوده: «تشبیه تفضیل آن است که بعد از تشبیه چیزی به چیزی، وجه تفضیل مشبه، بر مشبه به بیان شود (رازی، ۱۳۷۳: ۳۱۰).

منابع بلاغت فارسی از گذشته تا کنون، به‌طور پراکنده در مباحث خود، بخشی را به تشبیه تفضیل اختصاص داده‌اند. نوع نگاه و رویکرد هریک از منابع از متقدمین تا متأخرین دارای وجوه تفاوت و تشابه بسیاری است که می‌توان به‌طور کلی آن‌ها را در چند رویکرد عمده جمع‌بندی کرد:

رویکرد اول: در این رویکرد، منابعی قرار می‌گیرند که تشبیه تفضیل را مستقیماً یکی از اقسام چندگانه تشبیه می‌دانند. این گروه، تشبیه را بدون در نظر گرفتن معیاری خاص، تنها به ۷ یا ۸ نوع، تقسیم‌بندی کرده‌اند و در این اقسام هفت یا هشتگانه، تشبیهاتی چون مضمّر، مشروط، تفضیل، معکوس و... را قرار داده‌اند (همایی، ۱۳۸۶: ۲۳۶-۲۳۵؛ تاج‌الحلاوی، ۱۳۴۱: ۳۴-۳۵؛ هدایت، ۱۳۳۱: ۵۹؛ ذکایی بیضایی، ۱۳۶۶: ۱۱۶؛ فخری اصفهانی، ۱۳۸۹: ۲۷۹؛ میرزا، ۱۳۶۲: ۱۸۰).

رویکرد دوم: در این رویکرد، منابعی قرار دارند که تشبیه را ابتدا بر مبنای برخی معیارها تقسیم‌بندی کرده‌اند و سپس، تشبیه تفضیل و انواع دیگری چون تشبیه مشروط، مضمّر، معکوس و... را به اعتبار ویژگی‌هایی، مانند طرفین تشبیه (اندوه‌جودی، ۱۳۷۵: ۱۱۳؛ صفا، ۱۳۶۶: ۵۴)، شکل تشبیه (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۹-۴۸) و معیارهای دیگر (علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۰۹؛ تجلیل، ۱۳۸۵: ۵۲)، آشکالی از تشبیه دانسته‌اند. رویکرد سوم: در رویکرد سوم به تشبیه تفضیل، صاحب‌نظرانی قرار دارند که دیدگاهشان به تفضیل، نه به‌عنوان یکی از انواع تشبیه، بلکه به‌عنوان یکی از راه‌های تبدیل کردن تشبیهات قریب و مبتدل به تشبیهات بعید و تازه است. آن‌ها تشبیه تفضیل را در کنار راه‌های دیگری چون تشبیه مشروط، مجمل، مفصل، اضمار و... از جمله راه‌های فرار از ابتدال در تشبیه دانسته‌اند. آن‌ها همچنین تشبیه مقلوب را نیز یکی از انواع تشبیهی می‌دانند که در آن فواید تشبیه، عاید به مشبه به است (کرازی، ۱۳۶۸: ۷۵-۷۴؛ قروینی، ۱۳۸۸: ۸۳-۸۱؛ رجایی، ۱۳۵۹: ۲۸۱-۲۶۰؛ تقوی، ۱۳۶۳: ۷۶-۵۹؛ مازندرانی، ۱۳۷۶: ۲۶۹-۲۶۷).

تحلیل ساختاری انواع تشبیه تفضیل در غزلیات سعدی _____ ۲۹۵
رویگرد چهارم: در این رویکرد، منابعی قابل ارجاع است که در آن‌ها هیچ‌گونه
سخنی از تشبیه تفضیل نشده؛ اما از گونه‌های دیگری چون تشبیه مشروط و معکوس و
مقلوب که بی‌ارتباط با تشبیه تفضیل نیستند، سخن به میان آمده است (کاشفی سبزواری،
۱۳۶۹: ۱۰۸؛ شفیع کدکنی، ۱۳۵۸: ۷۱-۷۰؛ فتوحی رودمعجبی، ۱۳۸۹: ۹۲-۹۱؛
محمدی، ۱۳۹۲: ۲۲۹؛ مردوخی، ۱۳۷۸: ۶-۱).

با توجه به این چهار رویکرد به تشبیه تفضیل که هر یک، آن را بر اساس قاعده
خاصی در ذیل علم بلاغت و بیان بررسی کرده‌اند و با وجود اختلاف نظری که در نوع
طبقه‌بندی آن‌ها درباره تشبیه تفضیل وجود دارد، توجه به نوع نگاه بلاغیون و صاحب-
نظران، به تعریف تشبیه تفضیل، ساختار آن و همچنین حد و مرز تمایز و تشابه آن با
گونه‌های مشابهی چون تشبیه مشروط و مقلوب یا معکوس در این زمینه، حائز اهمیت
است. به‌طور کلی، تشبیه تفضیل به صورت‌های زیر تعریف و مرزگذاری شده است:

۱- تشبیهی است که در آن شاعر، بعد از تشبیه چیزی به چیزی، مشبه را بر مشبه‌به
تفضیل و برتری دهد (همایی، ۱۳۸۶: ۲۳۶؛ صفا، ۱۳۶۶: ۵۵؛ بهزادی اندوهجردی، ۱۳۷۵:
۱۳۳-۱۱۴؛ علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۱۱-۱۱۰؛ میرزا، ۱۳۶۲: ۱۸۰؛ تاج
الحلاوی، ۱۳۴۱: ۳۹).

۲- چیزی را به چیزی تشبیه کنند، باز از آن برگردند و مشبه را بر مشبه‌به ترجیح
دهند (تقوی، ۱۳۶۳: ۱۷۷-۱۷۵؛ رجایی، ۱۳۵۹: ۲۸۱-۲۷۷؛ شمیسا، ۱۳۸۳: ۵۰؛ فخری
اصفهانی، ۱۳۸۹: ۲۸۳-۲۸۲؛ هدایت، ۱۳۳۱: ۷۴-۷۳).

۳- تشبیهی که در آن گوینده برای نو کردن تشبیه، مانده (مشبه) را به شیوه‌ای بر
مانسته (مشبه‌به) برتری نهد (کزازی، ۱۳۶۸: ۷۵).

۴- گاه شاعر بر تشبیهی که ساخت، قانع نیست و به دنبال تصویری برتر است تا از
روی مبالغه توصیف خود را با جلوه بیشتری عرضه کند که آن را تشبیه تفضیل گویند
(تجلیل، ۱۳۸۵: ۵۳).

۵- تشبیهی است که اضافه بر صفتی که در مشبه به موجود است، برتری و فضلی را نیز برای مشبه قائل شوند (ذکایی بیضایی، ۱۳۶۶: ۱۱۸-۱۱۷).

علاوه بر شباهت‌ها و اختلاف‌نظرهایی که در مورد تعریف تشبیه تفضیل وجود دارد، یکی از بحث‌هایی که بیشترین اختلاف نظر را ایجاد کرده است، بحث در مورد تشبیهاتی چون تشبیه مشروط، مقلوب و معکوس است که بسیار مرتبط با تشبیه تفضیل هستند. در مقاله حاضر، نگارندگان - بر خلاف نظر دیگران - معتقدند که به غیر از تشبیه معکوس، بقیه زیرمجموعه خود تشبیه تفضیل هستند و نه متمایز از آن. نظرات متقدمین و متأخرین در زمینه تشبیه معکوس و مقلوب به صورت‌های زیر است:

۱- گروه اول: تشبیه معکوس و مقلوب را یکی دانسته و در تعریف آن گفته‌اند: تشبیه معکوس یا مقلوب آن چنان باشد که اول چیزی را به چیزی تشبیه کند به وجهی و پس از آن، مشبه به را به وجهی دیگر به مشبه تشبیه کند؛ چنانچه هر دو به عکس مذکور گردد (رادویانی، ۱۳۸۰: ۱۵۷-۱۵۶؛ وطواط، ۱۳۶۲: ۴۸-۴۷؛ رازی، ۱۳۷۳: ۳۰۹؛ رامی تبریزی، ۱۳۸۵: ۶۵-۶۳؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۰۸؛ محمدی، ۱۳۹۲: ۲۲۹؛ شفیع کدکنی، ۱۳۵۸: ۷۰؛ صفا، ۱۳۶۶: ۵۴؛ شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۹-۴۸؛ بهزادی اندوهجردی، ۱۳۷۵: ۱۱۳؛ علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۷۶: ۱۰۹؛ فخری اصفهانی، ۱۳۸۹: ۲۸۳-۲۸۲؛ میرزا، ۱۳۶۲: ۱۸۴-۱۸۳؛ تاج‌الحلای، ۱۳۴۱: ۴۰؛ ذکایی بیضایی، ۱۳۶۶: ۱۲۰-۱۱۹؛ همایی، ۱۳۸۶: ۲۳۷-۲۳۶). تعریف این گروه، بیشتر مشتمل بر تعریف تشبیه معکوس است و متذکر تشبیه مقلوب نشده‌اند. بر همین اساس «برخی بر این باورند که این نوع تشبیه (معکوس) تلقی ایرانی تشبیه مقلوب است» (سارلی، ۱۳۸۵: ۵۶).

۲- گروه دوم: از نظر این گروه، تشبیه معکوس و مقلوب یکی هستند؛ اما تعریفی که این گروه ارائه داده‌اند - برعکس تعریف قبلی - مشتمل بر تعریف تشبیه مقلوب است و معکوس را دربرنمی‌گیرد: تشبیهی که در آن، مشبه به را که کامل تر از مشبه است، به مشبه تشبیه کنند، به این ادعا که مشبه به در وجه شبه از مشبه ناقص تر است و این تشبیه را تشبیه مقلوب یا معکوس می‌نامند (رجایی، ۱۳۵۹: ۲۶۷-۲۶۰؛ تجلیل، ۱۳۵۸: ۵۲؛ مردوخی، ۱۳۷۸: ۶-۱).

۳- گروه سوم: این گروه، تشبیه معکوس و مقلوب را از هم متمایز دانسته و به این صورت تعریف کرده‌اند: تشبیه مقلوب، آن تشبیهی است که مشبه به آن در واقع، ناقص تر از مشبه باشد؛ اما از نظر ایشان، اگر در تشبیه، غرض، الحاق ناقص به زائدی نباشد آن دیگر تشبیه نیست، بلکه تشابه است و در این صورت عکس دو طرف جایز است؛ یعنی مشبه را مشبه به و مشبه به را مشبه قرار دهند و این را تشبیه عکس یا معکوس گویند (مازندرانی، ۱۳۷۶: ۲۶۹-۲۶۷؛ تقوی، ۱۳۶۳: ۱۶۵-۱۵۹؛ کزازی، ۱۳۶۸: ۹۰-۷۷).

و اما تشبیه مشروط که نزدیک‌ترین تشبیه به تشبیه تفضیل است، کم‌ترین اختلاف نظر را دارد و تقریباً همگی یک تعریف را از آن ارائه داده‌اند: تشبیهی است که در آن، چیزی را به چیزی تشبیه کنند به شرط (تقوی، ۱۳۶۳: ۱۷۷-۱۷۶؛ رجایی، ۱۳۵۹: ۲۸۱-۲۷۷؛ کزازی، ۱۳۶۸: ۷۵-۷۴؛ صفا، ۱۳۶۶: ۵۴ و ...).

با توجه به نظرات متعددی که درباره تشبیه تفضیل و گونه‌های مشابه آن ذکر گردید، در بخش بعدی، نظر نگارندگان این مقاله در این مورد و ارتباط آن با گونه‌های مشابه بیان شده است و پس از آن الگوهای ساختاری تشبیه تفضیل ارائه می‌گردد.

۳. بحث

۳-۱. بازتعریف تشبیه تفضیل

تشبیه تفضیل در کتب بلاغی، همان‌طور که ذکر شد، بیشتر تشبیهی تعریف شده که در آن برای نوسازی تشبیه و نجات آن از ابتدال، در کنار شیوه‌های دیگری چون تشبیه مقلوب، مشروط، معکوس و مضمّر استفاده می‌شود و ساختار آن به گونه‌ای است که ابتدا مشبه، به مشبه‌بھی تشبیه می‌شود و سپس دوباره مشبه بر مشبه‌به برتری داده می‌شود. این تعریف و نوع نگاه به تشبیه تفضیل تا حدود زیادی تساهل‌آمیز است. از نظر نگارندگان این مقاله، تشبیه تفضیل نوعی اغراق هنری است که شامل هرگونه برتری دادن مشبه بر مشبه‌به است؛ به‌طوری‌که در آن با وجود آنکه هم بر گوینده و هم بر خواننده مبرهن و واضح است که وجه‌شبه در مشبه‌به قوی‌تر و برجسته‌تر است، اما گوینده (شاعر) در خود تشبیه که خود نوعی ادعای همانندی است، ادعای برتری مشبه

بر مشبه‌به را به تصویر بکشد که در واقع، اوج اغراق هنری است. ایراد دیگر بر تقسیم‌بندی کتب بلاغی و بیانی در مورد تشبیه تفضیل در این است که اول، راه‌های فرار از ابتدال در تشبیه تنها به تشبیه تفضیل، مقلوب، مشروط و مضمّر ختم نمی‌شود، بلکه راه‌های دیگری چون به‌کارگیری تشبیه بلیغ، مجمل، مؤکد، جمع، تسویه، ملفوف، مفروق، وهمی، خیالی و ... همگی از جمله راه‌های فرار از ابتدال در تشبیه‌اند؛ علاوه بر این، بر خلاف نظر آن‌ها که تشبیه مشروط، مضمّر و مقلوب را متمایز از تشبیه تفضیل و در موازات آن از جمله راه‌های نوسازی تشبیه دانسته‌اند، نگارندگان این مقاله معتقدند که بنابر گستره عام تشبیه تفضیل که شامل هرگونه اغراق هنری مبتنی بر برتری دادن مشبه بر مشبه‌به است، تشبیه مشروط، مقلوب و حتی مضمّر نیز زیرمجموعه تشبیه تفضیل قرار می‌گیرند. با این استثناء که تشبیه مضمّر می‌تواند غیرتفضیلی هم باشد، تشبیه معکوس چیزی کاملاً متمایز از تشبیه مقلوب است و مبتنی بر تشابه بوده و اصلاً تفضیلی نیست.

بنابراین، تشبیه تفضیل در معنای کلی، اگرچه نوعی روش برای رهایی از ابتدال در تشبیه است، اما در آن این ادعا وجود دارد که وجه‌شبه در مشبه اعراف از مشبه‌به است و این ادعا در خدمت برجسته‌سازی، بزرگ‌نمایی و مدح مشبه است. این کار با کمک الگوهای ساختاری متعددی انجام می‌گیرد. همه عناوینی که به صورت تشبیه مقلوب، مشروط، تفضیل، تذیل و مغالطه و مانند آن آمده است، شکل‌هایی از تشبیه تفضیل‌اند که در همگی آن‌ها، به‌گونه‌ای نشان داده می‌شود که مشبه بر مشبه‌به برتری دارد؛ با وجود آنکه بر همه آشکار و واضح است که وجه‌شبه در مشبه‌به، قوی‌تر از مشبه است.

به بیانی دیگر، تشبیه تفضیل در واقع نوعی بیان شگفتی مشبه و نوعی ادعا در ادعاست؛ زیرا خود تشبیه، نوعی ادعای همانندی است و تشبیه تفضیل ادعای برتری در این ادعای همانندی است. با توجه به این تعریف عام از تشبیه تفضیل، نه تنها ساختار آن تنها محدود به ساختار فوق‌الذکر نیست، بلکه در ساخت‌های متعددی طبقه‌بندی می‌شود و مهم‌ترین آن با توجه به نمودهایش در غزلیات سعدی بازنمایی می‌شود.

۴. تحلیل

۴-۱. اشکال و الگوهای ساختاری تشبیه تفضیل

چنان که گفته شد، تشبیه تفضیل دارای الگوهای ساختاری متعددی است و محدود به یک یا دو شکل ساختاری نمی‌شود. این شگرد هنری که نوعی اغراق هنری را در دل خود نهفته دارد، در غزلیات سعدی به‌عنوان یک تکنیک هنری و سبکی با شگردها و اشکال بسیار متنوعی به کار رفته است که مهم‌ترین آن‌ها در ادامه ذکر می‌شود:

۴-۱-۱. قالب تشبیه مقلوب مشروط منفی

در این نوع از تشبیه تفضیل، برای مشبه‌به، شروطی محال و غیرممکن گذاشته می‌شود تا شبیه مشبه گردد؛ اما با این وجود، گوینده باز هم آن را در حد مشبه نمی‌داند: سرو اگر نیز تحول کند از جای به جای نتوان گفت که زیباتر از این می‌گذرد (غ ۱۷۹/ب ۲)^۱

هزار سرو خرامان به راستی نرسد به قامت تو و گر سر به آسمان ساینند (غ ۲۵۳/ب ۸)

۴-۱-۲. حقیر شمردن شمار کثیری از مشبه‌به در برابر مشبه

ابتدا گوینده هزاران گونه یا کثیری از مشبه‌به را ذکر می‌کند و آن‌ها را در برابر مشبه، به‌خاطر وجهی از شبه، حقیر می‌شمارد و در ادامه، بیان می‌کند که اگر چه مشبه‌به، به وجهی، به مشبه شبیه است:

هزار سرو به معنا به قامت نرسد و گر چه سرو به صورت، بلند بالایی است (غ ۱۱۳/ب ۸)

یا در بیت زیر که گوینده در مصراع اول، به وجه شبه مشبه اشاره می‌کند و در ادامه به این امر اعتراف می‌کند که هیچ مشبه‌بھی به اندازه مشبه، این وجه شبه را دارا نیست:

۱. با توجه به اینکه در این پژوهش غزل و بیت ملاک کار بوده است، در ارجاع به ابیات غزلیات سعدی، به شماره غزل و ردیف بیت اشاره شده است.

به حسن قامتت سروی در آفاق نیندارم که باشد غالب‌الظن
(غ ۴۴۳/ب ۴)

همچنین در بیت زیر که گوینده در ابتدا، مطلوب خود را مشبه قرار داده است و بهشت واقعی را به او نسبت می‌دهد و از مشبه به واقعی (بهشت واقعی) روی می‌گرداند؛ چراکه آن را فاقد حسن‌هایی می‌داند که در مشبه او (مطلوب او) وجود دارد:

بهشت‌روی من آن لعبت پری‌رخسار که در بهشت نباشد به لطف او حوری
(غ ۵۷۳/ب ۳)

گاهی این شمار کثیر با قیودی مانند «بسیار» و «همه» می‌آید و سپس در مصراع دوم، مشبه را بر این تعداد کثیر، به طرق مختلف، ترجیح می‌نهد:

بسیار دیده‌ایم درختان میوه‌دار زین به ندیده‌ایم که در بوستان توست
(غ ۵۶/ب ۶)

بسیار در دل آمد از اندیشه‌ها و رفت نقشی که آن نمی‌رود از دل، نشان توست
(غ ۵۶/ب ۸)

گر همه صورت خوبان جهان جمع کنند روی زیبای تو، دیباچه اوراق آید
(غ ۲۸۶/ب ۵)

در نوعی دیگر از این شکل، ابتدا از طریق مقایسه چند به یک و سپس برتری یافتن یک بر چند مطرح می‌شود؛ برای نمونه در ابیات زیر، گوینده هزار گونه از مشبه به را در ابتدا می‌آورد و سپس آن را با مشبهی واحد مقایسه کرده و مشبه را بر آن‌ها برتری می‌دهد:

هزار بلبل داستان‌سرای عاشق را بیاید از تو سخن گفتن دری آموخت
(غ ۳۲/ب ۴)

هزار سرو خرامان به راستی نرسد به قامت تو و گر سر به آسمان ساینند
(غ ۲۵۳/ب ۸)

تحلیل ساختاری انواع تشبیه تفضیل در غزلیات سعدی _____ ۳۰۱
۳-۱-۴. گوینده به چیزهای دیگر رغبتی ندارد و تنها به سوی مشبه، میل می کند و تنها آن را برمیگزیند. در این قالب که با نوعی معاوضه ناپذیری محبوب همراه است، گوینده حاضر نیست مشبه را با هیچ چیزی در جهان معاوضه کند؛ چرا که هیچ چیز را با آن برابر نمی داند:

سیم و زرم گو مباش و دینی و اسباب روی تو بینم که ملک روی زمین است
(غ ۸۶/ب ۸)

به جای دوست گرت هر چه در جهان بخشند رضا مده که متاعی بود حقیر از دوست
(غ ۹۶/ب ۳)

در این بیت، گوینده در مصراع اول هر چیز با ارزشی را رد می کند و در مصراع دوم دلیل خود را در قالب تشبیه مشبه، به چیز با ارزش تری نسبت به گونه های مصراع اول بیان می کند. نمونه دیگر:

نکند میل دل من به تماشای چمن که تماشای دل آنجاست که دلدار آنجاست
(غ ۴۹/ب ۶)

۴-۱-۴. تشبیه مقلوب بی نظیر

گوینده در مصراع اول، مشبه به را (به وجهی از شبه) به مشبه مانند می کند و در مصراع دوم، مشبه خود را ضمن تشبیه به چیزی دیگر، بی نظیر می خواند:
بیار ای باغبان سروی به بالای دلارامم که باری من ندیدستم چنین گل در گلستانی
(غ ۶۱۱/ب ۶)

۴-۱-۵. تشبیه مقلوب استفهامی با «مگر»

در این نوع تشبیه، گوینده در یکی از مصراع های بیت و به شکلی استفهامی، مشبه به را به مشبه تشبیه می کند و در مصراع دیگر دلیل سؤالش را در قالب مدح مشبه به (مشبه شده) بیان می کند؛ مدحی که در واقع، عظمت مشبه (مشبه به شده) را در این تشبیه می رساند:

مگر نسیم سحر بوی زلف یار من است که راحت دل رنجور بی قرار من است
(غ ۸۳/ب ۱)
به پای سرو در افتاده اند لاله و گل مگر شمایل قد نگار من دارد
(غ ۱۷۱/ب ۲)

۶-۱-۴. تشبیه مقلوب سلبی

گوینده در مصراع اول، با جابه‌جا کردن جای مشبه و مشبه‌به، می‌خواهد که مشبه‌به را به مشبه تشبیه کند؛ اما از طریق تشبیه منفی، حتی این نوع تشبیه را میسر نمی‌داند:
سرو خرامان چو قد معتدلت نیست آن همه وصفش که می‌کنند به قامت
(غ ۱۴۳/ب ۵)
گاهی این سلب تشبیه مشبه‌به به مشبه، به صورت پی‌درپی انجام می‌گیرد (برای تأکید بر اینکه هیچ مشبه‌بھی، به مشبه شبیه نیست):
یعلم الله که شقایق نه بدان لطف و سخن نه بدان بوی و صنوبر نه بدان بالا بود
(غ ۲۵۶/ب ۵)

۷-۱-۴. تشبیه مقلوب خطابي

در این شکل از تشبیه تفضیل، گوینده از طریق خطاب، مشبه‌به را به مشبه تشبیه می‌کند:
گلا و تازه بهارا تویی که عارض تو طراوت گل و بوی نگار من دارد
(غ ۱۷۱/ب ۴)
ای جان خردمندان، گوی خم چو گانت بیرون نرود گویی، کافتاد به میدان
(غ ۱۴۶/ب ۱)

۸-۱-۴. تشبیه مبتنی بر ساختار انتظار و سپس تفضیل

گوینده در مصراع اول، ابتدا انتظار مشبه را می‌کشد و سپس در مصراع بعدی علت این انتظار را بیان می‌کند؛ به صورتی که در این بیان علت، گوینده بیان می‌کند که

تحلیل ساختاری انواع تشبیه تفضیل در غزلیات سعدی _____ ۳۰۳
وجه شبه، آن چنان که در مشبه وجود دارد، در هیچ چیز دیگری (حتی مشابهاً مشبه)
وجود ندارد:

شب همه شب انتظار صبح رویی می رود کان صباحت نیست این صبح جهان افروز را
(غ ۱۲/ب ۲)

۹-۱-۴. تفضیل مبتنی بر رد و انکار شباهت (با یا بدون ایجاب)

گوینده، تشبیه مشبه را به مشبه به رد و انکار می کند و دلیل این رد کردن را با بیان
معایب مشبه به یا ذکر محاسن و برتری های مشبه بیان می کند:

تو نه مثل آفتابی، که حضور و غیبت افتد دگران روند و آیند و تو همچنان که هستی
(غ ۵۲۳/ب ۲)

گل نسبتی ندارد، با روی دلفریت تو در میان گل ها، چون گل میان خاری
(غ ۵۵۹/ب ۶)

زیبا ننماید سرو، اندر نظر عقلش آن کش نظری باشد، با قامت زیبایی
(غ ۵۱۱/ب ۵)

تشبیه روی تو نکنم من به آفتاب کاین مدح آفتاب نه تعظیم شأن توست
(غ ۵۶/ب ۳)

ماهت نتوان خواند بدین صورت و گفتار مه را لب و دندان شکر بار نباشد
(غ ۲۰۱/ب ۸)

در مواردی این رد و انکار با ایجاب نیز همراه هست و شاعر پس از انکار شباهت با
مشبه به، شباهت با مشبه به بهتری را ایجاب می کند:

این که تو داری قیامت است نه قامت وین نه تبسم که معجزست و کرامت
(غ ۱۴۳/ب ۱)

- باغ فردوس است، گلبرگش نخوانم یا بهار جان شیرین است، خورشیدش نگویم یا قمر
(غ ۲۹۳/ب ۵)
- آن نه خال است و زنخدان و سر زلف پریشان که دل اهل نظر برد که سرّی است خدایی
(غ ۵۰۹/ب ۴)
- آن نه زلفست و بناگوش که روز است و شب است و آن نه بالای صنوبر که درخت رطب است
(غ ۵۱/ب ۱)
- همچنین در بیت زیر که در مصراع اول مشبه‌به‌ها همراه با وجه‌شبه‌هایشان در قالب
دو جمله ایجابی ذکر شده‌اند و سپس در مصراع دوم، در قالب جملات سلبی، مشبه از
آنها به سبب برتری‌اش، متمایز شده است:
- سرو را قامت خوب است و قمر را رخ زیبا تو نه آنی و نه اینی که هم این است و هم آنت
(غ ۱۴۹/ب ۶)

۱۰-۱-۴. تکرار ناپذیری و بی‌همتایی مشبه

- در این قالب، گوینده اعتراف می‌کند که تا کنون مشابه مشبه، تکرار نشده است. این
تکرار ناپذیری نبود نظیر و همتا، اغلب در قالب افعال «دیگر نشیندن»، «دیگر ندیدن»،
«نبودن» و «نیاوردن» آمده است و شاعر مشبه را به‌عنوان بهترین و حتی در مواردی کمال
آفرینش بالا برده است:
- دیگر نشنیدیم چنین فتنه که برخاست از خانه برون آمد و بازار بیاراست
(غ ۴۶/ب ۱)
- هرگز نشنیده‌ام که بادی بوی گلی از تو خوشتر آورد
(غ ۱۸۱/ب ۵)
- من آدمی به لطف تو دیگر ندیده‌ام این صورت و صفت که تو داری، فرشته‌ای
(غ ۴۹۱/ب ۲)
- به از تو مادر گیتی به عمر خود فرزند نیاورد که همین بود حد زیبایی
(غ ۵۰۶/ب ۳)

ندیدم آبی و خاکی بدین لطافت و پاکی تو آب چشمه حیوان و خاک غالیه بویی

(غ ۵۱۶/ب ۴)

چون روی تو صورتی ندیدم در شهر که مبطل صلات است

(غ ۵۳/ب ۷)

گرد همه بوستان بگشتیم بر هیچ درخت از این ثمر نیست

(غ ۱۱۶/ب ۵)

نه خود اندر زمین نظیر تو نیست که قمر چون رخ منیر تو نیست

(غ ۱۲۶/ب ۱)

مردم همه دانند که در نامه سعدی مشکلی است که در کلبه عطار نباشد

(غ ۲۰۱/ب ۱۳)

در کان نبود چون تن زیبای تو سیمی وز سنگ نخیزد چو دل سخت تو رویی

(غ ۵۱۳/ب ۶)

در شکلی دیگر از این نوع، گوینده برای توصیف مشبه، به نسبت دادن چیزهای خیالی و غیرممکن به مشبه به مبادرت کرده و از این طریق تصویری می‌سازد که در خدمت خلق مشبه است و در عین حال منحصر به فرد و تکرار نشدنی است:

خداوندان عقل این طرفه بینند که خورشیدی به زیر سایبان است

(غ ۸۱/ب ۵)

تو سرو دیده‌ای که کمر بست بر میان یا ماه چارده که به سر برنهد کلاه؟»

(غ ۴۸۶/ب ۲)

نشیده‌ام که ماهی، بر سر نهد کلاهی یا سرو با جوانان هرگز رود به راهی

(غ ۶۳۶/ب ۱)

۱۱-۱-۴. تفضیل همراه با تحذیر و تهدید

در این قالب، گوینده در یکی از مصراع‌ها، مشبه (معشوق) را خطاب قرار داده و به آشکار شدن یا پنهان شدن او اشاره می‌کند و در مصراع دیگر، عواقب پدیدار شدن یا ظاهر نشدن مشبه را بیان می‌کند. این عواقب در واقع نوعی تحذیر یا تهدید مشبه است:

اگر تو روی نپوشی بدین لطافت و حسن
دگر نبینی در پارس، پارسایی را
(غ ۲۱/ب ۱۰)

گر برقی فرونگذاری بدین جمال
در شهر هر که کشته شود در ضمان توست
(غ ۵۶/ب ۲)

به ناز اگر بخرامی، جهان خراب کنی
به خون خسته اگر تشنه‌ای، هلا ای دوست
(غ ۱۰۳/ب ۴)

ملامت گوی بی حاصل ترنج از دست نشانسد
در آن معرض که چون یوسف، جمال از پرده بنمایی
(غ ۵۰۱/ب ۲)

۱۲-۱-۴. تفضیل مبتنی بر سبقت

گوینده در این شکل از تشبیه تفضیل، به این امر معترف می‌شود که مشبه، گوی سبقت را از دیگران ربوده است:

ای دیدنت آسایش و خندیدنت آفت
گوی از همه خوبان بربودی به لطافت
(غ ۱۳۶/ب ۱)

من در تو رسم به جهد هیئات
کز باد سبق برد عنانت
(غ ۱۵۱/ب ۶)

ای گوی حسن برده ز خوبان روزگار
مسکین کسی که در خم چوگان چو گو بود
(غ ۲۵۹/ب ۵)

امروز چنانی ای پری روی
کز ماه به حسن می‌بری روی
(غ ۶۲۶/ب ۱)

یا در بیت زیر ابتدا گوینده از دیگران سبقت می‌گیرد تا به مشبه (مطلوب) برسد؛ اما در ادامه، خود مشبه (مطلوب) از او سبقت می‌گیرد:

تحلیل ساختاری انواع تشبیه تفضیل در غزلیات سعدی _____ ۳۰۷
به چندین حیل و حکمت که گوی از همگنان بردم به چوگانم نمی‌افتد چنین گوی زنخدانی
(غ ۶۱۱/ب ۵)

۱۳-۱-۴. تشبیه مبتنی بر بی‌نیازی و استغنا

این قالب به دو صورت نمود یافته است. در شکل اول، گوینده اعتراف می‌کند که با وجود مشبه، به چیز دیگری نیازمند نیست و در شکل دیگر آن، گوینده اعتراف می‌کند که خود مشبه با وجود ویژگی‌ها و محاسنی که دارد، دیگر نیاز به حسن دیگری ندارد؛ چرا که کامل و بی‌عیب است:

۱-۱۳-۱-۴. شکل یک. گوینده اعتراف می‌کند که با وجود مشبه، به چیز دیگری نیازمند نیست:

از سر زلف عروسان چمن دست بدارد به سر زلف تو، گر دست رسد باد صبا را
(غ ۱۶/ب ۷)

قوم از شراب مست و ز منظور بی نصیب من مست از او، چنانکه نخواهم شراب را
(غ ۹/ب ۸)

شاهد که در میان نبود شمع گو بمیر چون هست اگر چراغ نباشد، منور است
(غ ۶۳/ب ۳)

گیسوت عنبرینه گردن تمام بود معشوق خو بروی چه محتاج زیور است؟
(غ ۶۳/ب ۹)

به لاله‌زار و گلستان نمی‌رود دل من که یاد دوست، گلستان و لاله‌زار من است
(غ ۸۳/ب ۸)

دیوار سرایت را، نقاش نمی‌باید تو زینت ایوانی، نه صورت ایوانت
(غ ۱۴۶/ب ۴)

مرا شکر منه و گل مریز در مجلس میان خسرو و شیرین شکر کجا گنجد؟
(غ ۱۵۹/ب ۴)

- مرا که چشم ارادت به روی و موی تو باشد
دلیل صدق نباشد نظر به لاله و سنبل
(غ ۳۴۶/ب ۱۰)
- سرم هنوز چنان مست بوی آن نفس است
که بوی عنبر و گل نمی برد به مشام
(غ ۳۵۶/ب ۵)
- می بهشت نوشم ز دست ساقی رضوان
مرا به باده چه حاجت که مست روی تو باشم
(غ ۴۰۳/ب ۶)
- ما به روی دوستان از بوستان آسوده ایم
گر بهار آید و گر باد خزان آسوده ایم
(غ ۴۳۳/ب ۱)
- سرو بالایی که مقصود است اگر حاصل شود
سرو اگر هرگز نباشد در جهان آسوده ایم
(غ ۴۳۳/ب ۲)
- هر چه در دنیا و عقبی راحت و آسایش است
گر تو با ما خوش در آیی ما از آن آسوده ایم
(غ ۴۳۳/ب ۴)
- باغبان را گو اگر در گلستان آلاله ای است
دیگری راده که ما با دلستان آسوده ایم
(غ ۴۳۳/ب ۶)
- جهان روشن به ماه و آفتاب است
جهان روشن ما به دیدار تو روشن
(غ ۴۴۳/ب ۶)
- گر بر این چاه زنخدان توره بردی خضر
بی نیاز آمدی از چشمه حیوان دیدن
(غ ۴۶۶/ب ۷)
- بگدار مشک و بوی سر زلف او بیار
یاد شکر مکن سخنی زان دهان بگوی
(غ ۶۳۳/ب ۲)
- ۲-۱۳-۱-۴. شکل دو. گوینده اعتراف می کند که مشبه با وجود ویژگی ها و محاسنی که دارد، دیگر نیاز به حسن دیگری ندارد:
- و ابرو که تو داری ای پریزاد در صید چه حاجت کمندت؟
(غ ۱۵۱/ب ۹)

تحلیل ساختاری انواع تشبیه تفضیل در غزلیات سعدی _____ ۳۰۹

تو بی زیور محلائی و بی رخت مزکایی و بی زینت مزین
(غ ۴۴۳/ب ۷)

به زیورها بیاریند وقتی خوبرویان را تو سیمین تن چنان خوبی که زیورها بیارایی
(غ ۵۰۱/ب ۳)

تورا که زلف و بناگوش و خد و قد این است مرو به باغ که در خانه بوستان داری
(غ ۵۶۹/ب ۶)

تو با چنین قد و بالا و صورت زیبا به سرو و لاله و شمشاد و گل نپردازی
(غ ۵۷۶/ب ۳)

۱۴-۱-۴. تفضیل مبتنی بر شرمساری و تسلیم مشبه به در برابر مشبه

در این شکل از تشبیه تفضیل، به محض آشکار شدن روی مشبه، مشبه به از فرط شرم، روی خود را در نقاب و پرده پنهان می‌کند:

گر ماه من برافکند از رخ، نقاب را بُرقع فروهلد به جمال آفتاب را
(غ ۹/ب ۱)

آفتاب حسن او تا شعله زد ماه، رخ در پرده پنهان می‌کند
(غ ۲۴۳/ب ۳)

تعالی الله چه روی است آن که گویی آفتابستی و گر مه را حیا بودی ز شرمش در نقابستی
اگر گل را نظر بودی چونرگس تا جهان بیند ز شرم رنگ رخسارش چونیلوفر در آبستی
(غ ۵۲۶/ب ۱-۲)

سرو از آن پای گرفته است به یک جای مقیم که اگر با تو رود شرمش از آن ساق آید
(غ ۲۸۶/ب ۷)

همچنین گوینده با وجود مشبه، عجیب و محال می‌داند اگر مشبه به در کنارش جلوه‌ای داشته باشد:

عجب گر در چمن بر پای خیزی که سرو راست، پیشت خم نباشد
(غ ۲۰۳/ب ۳)

عجب گر در چمن برپای خیزد که پیشش سرو نشیند به زانو
(غ ۴۷۹/ب ۱۰) پ
در شکلی دیگر، گوینده از مشبه دعوت می کند به میدان و مجلس آید تا با آمدن
او، همه مدعیان و رقیبان، حقیر و خجل شده و ادعای بزرگی نکنند (تا روی مدعیان را
کم کند):

روز آن است که مردم ره صحرا گیرند خیز تا سرو بماند خجل از بالایت
(غ ۱۵۳/ب ۹)
سرو بالای منا گر به چمن برگذری سرو بالای تو را سرو به بالا نرسد
(غ ۱۸۹/ب ۳)
روی تاجیکانه ات بنمای تا داغ حبش آسمان بر چهره ترکان یغمایی کشد
(غ ۲۰۹/ب ۴)
دی به چمن برگذشت، سرو سخنگوی من تا نکند گل غرور، رنگ من و بوی من
(غ ۴۷۳/ب ۱)
سرو با قامت زیبای تو در مجلس باغ نتواند که کند دعوی هم بالایی
(غ ۵۰۳/ب ۳)

۱۵-۱-۴. تفضیل مبتنی به حسد مشبه نسبت به مشبه به

در این قالب، رقیب (مشبه به) از فرط حسادت نسبت به مشبه، به محض ظهور مشبه،
خود را می بازد و رو به ویرانی می گذارد:

دهان غنچه بدرد نسیم باد صبا لبان لعل تو وقتی که ابتسام کنند
(غ ۲۵۱/ب ۹)
سرو در آید ز پای، گر تو بجنبی ز پای ماه بیفتد به زیر، گر تو بر آیی به بام
(غ ۳۶۹/ب ۲)
خواهم که بامدادی بیرون روی به صحرا تا بوستان بریزد گل های بامدادی
(غ ۵۳۳/ب ۷)

اگر این شکر ببیند محدثان شیرین همه دست‌ها بخایند چون نیشکر به دندان
(غ ۴۴۹/ب ۸)

دگر آفتابِ رویت، منمای آسمان را که قمر ز شرمساری، بشکست چون هلالی
(غ ۵۹۳/ب ۱۰)

در این شکل ساختاری، گاهی مشبه‌به که در رقابت با مشبه ناتوان و درمانده مانده، در مصراع دوم، به خاطر این جسارتی که در مقابل مشبه کرده، سرزنش و نکوهش می‌شود:

قمر مقابله با روی او نیارد کرد و گر کند همه کس عیب بر قمر گیرند
(غ ۲۳۱/ب ۶)

۱۶-۱-۴. خوارداشت مشبه‌به در برابر مشبه

در این شیوه، گوینده از طریق به‌کارگیری جملات استفهامی و عبارات و الفاظ خوارمایه، مشبه‌به را در برابر مشبه، کم‌ارزش و ناراست جلوه می‌دهد:

خارست به زیر پهلوانم بی‌روی تو خوابگاه سنجاب
(غ ۲۶/ب ۴)

سعدی این منزل ویران چه کنی؟ جای تو نیست رخت بر بند که منزلگه احرار آنجاست
(غ ۴۹/ب ۷)

دلبر! پیش وجودت همه خوبان عدمند سروران بر در سودای تو خاک قدمند
(غ ۲۴۶/ب ۱)

ساقی بده آن کوزهٔ یاقوت روان را یاقوت چه ارزد بده آن قوت روان را
(غ ۱۸/ب ۱)

دنیا به چه کار آید و فردوس چه باشد از بار خدا به ز تو حاجت نتوان خاست
(غ ۴۶/ب ۶)

قامت زیبای سرو، کاین همه وصفش کنند هست به صورت بلند، لیک به معنی قصیر
(غ ۳۰۶/ب ۷)

ندهم دل به قد و قامت سرو که چو بالای دلپذیر تو نیست
(غ ۱۲۶/ب ۲)

یا به مشبه به حکم می کند که در حضور مشبه، عرض اندام نکند و خموش باشد:

سرو، ایستاده به، چو تو رفتار می کنی طوطی خموش به، چو تو گفتار می کنی
(غ ۶۲۱/ب ۱)

تا مرا با نقش رویش آشنایی اوفتاد هر چه می بینم به چشم نقش دیوار آمدست
(غ ۵۹/ب ۴)

تا گل روی تو دیدم همه گل ها خارند تا تو را یاد گرفتم همه خلق اغیارند
(غ ۲۲۹/ب ۲)

یا خواهان از بین بردن مشبه به و هر آنچه غیر از مشبه است؛ چرا که در برابر مشبه،
نبودن آن ها شایسته تر است:

آلا ای باغبان، این سرو نشان و گر صاحب دلی آن سرو برکن
(غ ۴۴۳/ب ۵)

به هر روی، در این شکل از تشبیه تفضیل، گوینده، مشبه به و حتی متعلقات آن را

فدای مشبه کرده و حتی در حد بندهای کم مایه، در برابر مشبه، تنزل می دهد:

باغ می خواهم که روزی سرو بالایت بیند تا گلت در پا بریزد و ارغوان بر سر بیارد
(غ ۱۶۶/ب ۸)

سرو بالای منا گر چون گل آبی در چمن خاک پایت نرگس اندر چشم بینایی کشد
(غ ۲۰۹/ب ۳)

اگر به دست کند باغبان چنین سروی چه جای چشمه که بر چشمهات بنشاند
(غ ۲۱۹/ب ۴)

تحلیل ساختاری انواع تشبیه تفضیل در غزلیات سعدی _____ ۳۱۳

دلبراً پیش وجودت همه خوبان عدمند سروران بر در سودای تو خاک قدمند

(غ ۲۴۶/ب ۱)

افتاده زمین به حضرت او گردونش به خدمت ایستاده

(غ ۴۹۳/ب ۳)

خورشید و مهش زخوبرویی سر بر خط بندگی نهاده

(غ ۴۹۳/ب ۴)

در شکلی دیگر از این نوع تشبیه تفضیل، گوینده در مصراع اول مشبه به را به صورتی با شکوه و با عظمت توصیف می کند؛ اما بلافاصله در مصراع دوم، آن را در برابر مشبه، پست و کم مایه می شمارد:

ای سرو بلند بوستانی در پیش درخت قامتت پست

(غ ۴۱/ب ۶)

خورشید که شاه آسمان است در عرصه حسن او پیاده

(غ ۴۹۳/ب ۵)

۱۷-۱-۴. خارشردنِ خود در برابر مشبه

شاعر در این نوع تفضیل، این بار خود را در برابر مشبه، خوار و بی مایه می داند:

غلام آن لب ضحاک و چشم فتانم که کید سحر به ضحاک و سامری آموخت

(غ ۳۲/ب ۲)

غلام قامت آن لعبت قباپوشم که در محبت رویش هزار جامه قیاست

(غ ۴۳/ب ۸)

سعدی به قدر خویش تمنای وصل کن سیمرغ ما چه لایق زاغ آشیان توست؟

(غ ۵۶/ب ۱۰)

۱۸-۱-۴. خار شردن افرادی که مشبه را به مشبه به مانند کنند

گوینده، تشبیه مشبه، به مشبه‌به را از کوتاه‌نظری و غفلت دانسته و حیف می‌شمارد. در این شیوه، گوینده اعتراف بر نادرستی تشبیه می‌کند؛ چراکه از نظر او هنوز تشبیه‌کننده، مشبه را درک نکرده است:

هر که ماه ختن و سرو روانت گوید / او هنوز از قد و بالای تو صورت‌بینی است
(غ ۱۲۹/ب ۸)

کوتاه‌نظران کنند و حیف است / تشبیه به سرو بوستان
(غ ۱۵۱/ب ۸)

غافل است از صورت زیبای او / آن که صورت‌های دنیا می‌کند
(غ ۲۴۱/ب ۴)

۱۹-۱-۴. بی‌رونقی مشبه‌به در برابر مشبه

در این شیوه، گوینده اعتراف می‌کند که با روی کار آمدن مشبه، مشبه‌به رونق خود را از دست داده و بی‌آبرو شده است؛ البته این قالب با خوارداشت مشبه‌به نیز همراه است: برفت رونق بازار آفتاب و قمر / از آنکه ره به دکان تو مشتری آموخت
(غ ۳۲/ب ۵)

جای خنده است سخن گفتن شیرین پیشت / کآب شیرین چو بخندی برود از شکر
(غ ۳۵/ب ۳)

باد، خاکی ز مقام تو بیاورد و ببرد / آب هر طیب که در کلبه عطاری هست
(غ ۱۱۱/ب ۷)

زلف او بر رخ چو جولان می‌کند / مشک را در شهر ارزان می‌کند
(غ ۲۴۳/ب ۱)

دختران طبع را یعنی سخن با این جمال / آبرویی نیست پیش آن آن زیبا پسر
(غ ۲۹۳/ب ۱۳)

برگ گل لعل بود، شاهد بزم بهار / آب گلستان ببرد، شاهد گلروی من
(غ ۴۷۳/ب ۲)

تحلیل ساختاری انواع تشبیه تفضیل در غزلیات سعدی _____ ۳۱۵

نرخ گل و گلشکر شکسته زان چهره خوب و لعل دلجوی

(غ ۶۲۶/ب ۶)

آفتاب از منظر افتد در رواق چون تو را بیند بدین خوش منظری

(غ ۵۵۳/ب ۸)

با قد تو زیبا نبود سرو به نسبت با روی تو نیکو نبود مه به اضافه

(غ ۱۳۶/ب ۷)

گل با وجود او، چو گیاه است پیش گل مه پیش روی او، چو ستاره است پیش ماه

(غ ۴۸۶/ب ۳)

پایه خورشید نیست، پیش تو افروختن یا قد و بالای سرو، پیش تو افراختن

(غ ۴۵۶/ب ۶)

لب شیرینت از شیرین بدیدی در سخن گفتن بر او شکرانه بودی گر بدادی ملک پرویزت

(غ ۳۸/ب ۴)

۲۰-۱-۴. تفضیل مبتنی بر رابطه معلمی و شاگردی

شاعر، مشبه را در مقام معلم، سلطان و بزرگی قرار می دهد که دیگران در خدمت او

تلمذ و چاکری می کنند:

تو بت چرا به معلم روی که بتگر چین به چین زلف تو آید به بتگری آموخت؟

(غ ۳۲/ب ۳)

هزار بلبل دستانسرای عاشق را بیاید از تو سخن گفتن دری آموخت

(غ ۳۲/ب ۴)

روا بود همه خوبان آفرینش را که پیش صاحب ما دست بر کمر گیرند

(غ ۲۳۱/ب ۵)

افتاده زمین به حضرت او گردونش به خدمت ایستاده

(غ ۴۹۳/ب ۳)

چاکر شده شاه اختراست شیر فلکت شده سگ کوی

(غ ۶۲۶/ب ۷)

بر بام سراچه جمالت کیوان شده پاسبان هندوی

(غ ۶۲۶/ب ۸)

۲۱-۱-۴. اعتراف به بزرگی و عظمت مشبه و قابل وصف نبودن آن

در این شیوه، گوینده اعتراف می کند که مشبه، بزرگتر از آن است که بتوان آن را

در بیان گنجانند و وصف کرد:

وصفش نداند کرد کس دریای شیرین است و بس
سعدی که شوخی می کند گوهر به دریا می برد

(غ ۱۷۶/ب ۱۰)

شکرین پسته دهانی به تفرج بگذشت
که چه گویم نتوان گفت که چون زیبا بود

(غ ۲۵۶/ب ۴)

در عالم وصفش به جهانی برسیدم
کاندر نظرم هر دو جهان مختصری بود

(غ ۲۶۱/ب ۷)

حلاوتی است لب لعل آبدارش را
که در حدیث نیاید، چو در حدیث آید

(غ ۲۷۶/ب ۲)

چه شیرین لب سخنگویی که عاجز
فرو می ماند از وصف سخنگوی

(غ ۶۳۹/ب ۴)

ندیدم آبی و خاکی بدین لطافت و پاکی
تو آب چشمه حیوان و خاک غالیه بویی

(غ ۵۱۶/ب ۴)

گاهی بیان عظمت مشبه همراه با حیرانی و سرگشتگی و اظهار شگفتی و اعجاب است:

صورت نگار چینی، بی خویشتن بماند
گر صورتت ببیند، سرتا به سر معانی

(غ ۶۱۳/ب ۵)

خلایق در تو حیرانند و جای حیرت است
الحق که مه را بر زمین ببیند و مه بر آسمان باشد

(غ ۱۹۶/ب ۸)

در وهم نیاید که چه مطبوع درختی
پیداست که هرگز کس ازین میوه نچیده است

(غ ۶۱/ب ۷)

گاهی بیان عظمت مشبه (مطلوب) همراه با اظهار ناتوانی گوینده (و عاشقان دیگر)

از تحمل و صبر در فراقِ مطلوب است:

با قوت بازوان عشقت سرپنجه صبر ناتوان است

(غ ۱۷۹/ب ۸)

ملاط گوی بی حاصل ترنج از دست نشناسد در آن معرض که چون یوسف، جمال از پرده بنمایی

(غ ۵۰۱/ب ۲)

تا به بستان ضمیرت، گل معنا بشکفت بلبان از تو فرومانده، چو بوتیمارند

(غ ۲۲۹/ب ۱۰)

در مواردی نیز گوینده از فرط برتری مشبه، اعتراف می کند که او آدمی زاده نیست:

من آدمی به چنین شکل و قد و خوی و روش ندیده ام مگر این شیوه از پری آموخت

(غ ۳۲/ب ۱۱)

من آدمی به لطف تو دیگر ندیده ام این صورت و صفت که تو داری، فرشته ای

(غ ۴۹۱/ب ۲)

تو پری زاده ندانم ز کجا می آیی کادمیزاده نباشد به چنین زیبایی

(غ ۵۰۳/ب ۱)

مه بر زمین نرفت و پری دیده بر نداشت تا ظن برم که روی تو ماهست یا پری؟

(غ ۵۵۱/ب ۳)

تو خود فرشته ای، نه از این گل سرشته ای گر خلق از آب و خاک، تو از مشک و عنبری

(غ ۵۵۱/ب ۴)

۲۲-۱-۴. تفضیل مبتنی بر زیادت

گوینده، در ابتدا مشبه را به مشبه به تشبیه می کند و در ادامه، برای مشبه، زیادت بر

آن ویژگی هایی که مشبه به دارد، ویژگی های دیگری را نیز قائل می شود:

آن کیست که پیرامن خورشید جمالش از مشک سیه دایره نیمه کشیده است

(غ ۶۱/ب ۳)

بهشتی صورتی در جوف محمل چو برجی کآفتابش در میان است

(غ ۸۱/ب ۴)

ماه چنین کس ندید خوش سخن و خوش خرام ماه مبارک طلوع، سرو قیامت قیام

(غ ۳۶۱/ب ۱)

وجود هر که نگه می‌کنم زجان و جسد مرکب است و تو از فرق تا قدم جانی

(غ ۶۱۶/ب ۴)

در بیت زیر نیز شاعر با جابه‌جا کردن وجه شبه از اصل به فرع، ویژگی‌های برجسته‌ای را که خاصِ مشبه‌به هستند و در واقع اصالت واقعی آن‌ها در وجود مشبه‌به است، در خورِ مشبه‌به ندانسته و به دلیل زیادت بیان شایسته وجودِ مشبه می‌داند:

جمال عارض خورشید و حسن قامت سرو تو را رسد که چو دعوی کنی بیان داری

(غ ۵۶۹/ب ۳)

۲۳-۱-۴. تفضیل مبتنی بر نقصان

در این قالب گوینده ابتدا، مشبه را به مشبه‌به تشبیه می‌کند؛ اما در ادامه با وجود این تشبیه، مشبه‌به را فاقد برخی ویژگی‌های مشبه می‌داند:

به گریه گفتمش ای سرو قد سیم‌اندام اگرچه سرو نباشد برو گل سوری

(غ ۵۷۳/ب ۴)

چه نشینی ای قیامت، بنمای سرو قامت به خلاف سرو بستان، که ندارد اعتدالی

(غ ۵۸۹/ب ۶)

۲۴-۱-۴. برقراری تشبیه با همراهی صفات تفضیلی

در این شکل از تشبیه تفضیل، گوینده با آوردن صفات تفضیلی «صفت + تر/ترین» و اغلب در قالب «خوبتر و خوش‌تر»، برتر بودنِ مشبه را به شکلی آشکار بیان می‌کند:

قبای خوشتر از این در بدن تواند بود بدن نیفتد از این خوبتر قبایی را

(غ ۲۱/ب ۹)

عیش است بر کنار سمن زار خواب صبح نی، در کنار یار سمن بوی، خوش تر است

(غ ۶۹/ب ۲)

آواز چنگ مطرب خوشگوی گو مباش ما را حدیث همدم خوش خوی، خوش تر است

(غ ۶۹/ب ۵)

گر شاهد است سبزه بر اطراف گلستان بر عارضین شاهد گلروی خوش تر است

(غ ۶۹/ب ۶)

آب از نسیم باد، زره روی گشته است مفتول زلف یار زره موی خوشتر است

(غ ۶۹/ب ۷)

گو چشمه آب کوثر و بستان بهشت باش ما را مقام بر سر این کوی خوش تر است

(غ ۶۹/ب ۸)

هرگز نشنیده ام که بادی بوی گلی از تو خوشتر آورد

(غ ۱۸۱/ب ۵)

که تو شیرین تری از آن شیرین که بشاید به داستان گفتن

(غ ۴۶۱/ب ۷)

از عنبر و بنفشه تر، بر سر آمده است آن موی مشکبوی که در پای هشته ای

(غ ۴۹۱/ب ۷)

کدام کس به تو ماند که گویمت که چنوبی؟ ز هر که در نظر آید گذشته ای به نکویی

(غ ۵۱۶/ب ۱)

به هر چه خوب تر اندر جهان نظر کردم که گویمش به تو ماند تو خوبتر زانی

(غ ۶۱۲/ب ۳)

۲۵-۱-۴. جملات منفی با هیچ و هرگز

در این شیوه، گوینده با آوردن قیود «هیچ» و «هرگز»، در دل جملات منفی، به گونه-

های مختلف به تفضیل مشبه می پردازد:

- هیچ پیرایه زیادت نکند حسن تو را
هیچ مشاطه نیاراید از این خوبترت
(غ ۳۵/ب ۵)
- در وهم نیاید که چه مطبوع درختی
پیداست که هرگز کس از این میوه نچیده است
(غ ۶۱/ب ۷)
- در دلم هیچ نیاید مگر اندیشه و صلت
تو نه آنی که دگر کس بنشیند به مکانت
(غ ۱۴۹/ب ۲)
- هرگز نشنیده‌ام که بادی
بوی گلی از تو خوش تر آورد
(غ ۱۸۱/ب ۵)
- و آن سرو که گویند به بالای تو باشد
هرگز به چنین قامت و رفتار نباشد
(غ ۲۰۱/ب ۹)
- به هیچ شهر نباشد چنین شکر که تویی
که طوطیان چو سعدی درآوری به کلام
(غ ۳۵۶/ب ۱۱)
- هرگز نشنیده‌ام که کرده است
سرو آنچه تو می‌کنی به جولان
(غ ۴۴۶/ب ۵)

۲۶-۱-۴. وجود مشبه مانع دل بستن به غیر است

- در این شیوه، در مصراع اول به ویژگی‌های مشبه اشاره می‌شود که در واقع، وجه شبه او هستند و در خاطر گوینده جای گیر شده‌اند و در مصراع دوم گوینده معترف می‌شود که تا فلان چیزهایی از مشبه در خاطر هست، مشبه‌به‌ها در نظر بی‌قدرند یا اینکه شرم دارم که به چیزهای دیگر توجهی کنم:
- تا خیال قد و بالای تو در فکر من است
گر خلاق همه سرونند چو سرو آزادم
(غ ۳۷۱/ب ۷)
- سرو بالای تو در باغ تصور، بر پای
شرم دارم که به بالای صنوبر نگرم
(غ ۳۸۳/ب ۱۵)
- آنچه از نرگس مخمور تو در چشم من است
برنخیزد به گل و لاله و ریحان دیدن
(غ ۴۶۶/ب ۹)

۲۷-۱-۴. مشبه شایسته ناز و تکبرورزی

در این شکل از تفضیل، گوینده در مصراع اول، مشبه را دعوت به ناز و تکبر می کند و در مصراع دوم دلیلش را بیان می کند؛ چرا که معتقد است او زیاده بر مشبه به، ویژگی-های دیگری را نیز داراست:

کلاه ناز و تکبر بنه، کمر بگشای که چون تو سرو ندیدم که در قبا گنجد

(غ ۱۵۹/ب ۲)

گر نبرم ناز دوست، کیست که مانند اوست کبر کند بی خلاف، هر که بود بی نظیر

(غ ۳۰۶/ب ۶)

۲۸-۱-۴. پرهیز از سخن گفتن از غیر یا نگرستن به غیر، با وجود مشبه

توبه کردیم پیش بالایت سخن سرو بوستان گفتن

(غ ۴۶۱/ب ۳)

با وجود رخ و بالای تو کونه نظری است در گلستان شدن و سرو خرامان دیدن

(غ ۴۶۶/ب ۶)

۲۹-۱-۴. فضیلت دادن مشبه بر مشبه به از حیث جایگاه

در نوعی از تشبیه تفضیل، گوینده ابتدا از مشبه به نام برده و به جایگاه واقعی آن اشاره می کند و سپس در ادامه، جایگاه مشبه را نه در جایگاه مشابه مشبه به، بلکه در جایگاه والایی چون سر و چشم می داند:

سرو در باغ نشانند و تو را بر سر و چشم گر اجازت دهی ای سرو روان بنشانم

(غ ۴۱۳/ب ۴)

چنانکه گفته شد، تشبیه تفضیل دارای الگوهای ساختاری متعددی است. بعضی از این الگوها مبتنی بر یکی از آرایه های ادبی است که در ادامه به آن ها نیز اشاره شده است:

۳۰-۱-۴. تفضیل مبتنی بر تجاهل العارف

در این شکل از تفضیل، گوینده خود را به نادانی و سرگردانی می‌زند و از طریق تجاهل العارف، وصف ناپذیری و برتریِ مشابه را به رخ می‌کشد. نمونه‌های این شگرد در غزلیات سعدی بسیار است:

- | | |
|--|--|
| آن تویی یا سرو بستانی به رفتار آمده است؟ | یا ملک در صورت مردم به گفتار آمده است؟ (غ ۵۹/ب ۱) |
| عود می‌سوزند یا گل می‌دمد در بوستان؟ | دوستان، یا کاروان مشک تاتار آمده است؟ (غ ۵۹/ب ۳) |
| این باد بهار بوستان است؟ | یا بوی وصال دوستان است؟ (غ ۷۹/ب ۱) |
| آینه‌ای پیش آفتاب نهاده است؟ | بر در آن خیمه یا شعاع جبین است؟ (غ ۸۶/ب ۳) |
| حور عین می‌گذرد در نظر سوختگان | یا مه چهارده یا لعبت چین می‌گذرد؟ (غ ۱۷۹/ب ۳) |
| من در اندیشه که بت یا مه نو یا ملک است | یار بت‌پیکر مه‌روی ملک‌سیما بود (غ ۲۵۶/ب ۷) |
| آفتاب است آن پریرخ یا ملایک یا بشر؟ | قامت است آن یا قیامت یا الف یا نیشکر؟ (غ ۲۹۳/ب ۱) |
| گلبن است آن یا تن نازک نهادش یا حریر؟ | آهن است آن یا دل نامهربانش یا حجر؟ (غ ۲۹۳/ب ۳) |
| تمام فهم نکردم که ارغوان و گل است | در آستینش و یا دست و ساعد گل‌فام (غ ۳۵۶/ب ۷) |

«چه بوی است این که عقل از من ببرد و صبر و هوشیاری

ندانم باغ فردوس است یا بازار عطاران؟»

(غ ۴۵۱/ب ۵)

- این نسیم خاک شیراز است یا مشک ختن یا نگار من پریشان کرده زلف عنبرین
(غ ۴۷۶/ب ۷)
- دو چشم خیره ماند از روشنایی ندانم قرص خورشید است یا رو
(غ ۴۷۹/ب ۲)
- بهشت است این که من دیدم نه رخسار کمند است آن که وی دارد نه گیسو
(غ ۴۷۹/ب ۳)
- تو پری زاده ندانم ز کجا می آیی؟ کادمیزاده نباشد به چنین زیبایی
(غ ۵۰۳/ب ۱)
- صبای روضه رضوان، ندانم که چه بادی؟ نسیم وعده جانان، ندانم که چه بویی؟
(غ ۵۱۶/ب ۶)
- سرو بستانی تو یا مه یا پری یا ملک، یا دفتر صورتگری؟
(غ ۵۵۳/ب ۱)
- ملکی، مهی، ندانم، به چه کنیت بخوانم؟ به کدام جنس گویم که تو اشتباه داری؟
(غ ۵۷۱/ب ۳)
- یارب آن آب حیات است به آن شیرینی؟ یارب آن سرو روان است بدان چالاکتی؟
(غ ۵۸۹/ب ۶)
- گل است آن یا سمن یا ماه یا روی؟ شب است آن یا شبهه، یا مشک یا بوی؟
(غ ۶۲۹/ب ۱)

۳۱-۱-۴. تفضیل مبتنی بر حسن تعلیل

برای نمونه در بیت زیر دلیل انزوا و یکجانشینی سرو، شرمگین بودنش در برابر یار
سیم اندام سرو قامت است:

سرو از آن پای گرفته است به یک جای مقیم که اگر با تو رود شرمش از آن ساق آید
(غ ۲۸۶/ب ۷)

یا دلیل هلالی شدن قرص ماه در بیت زیر رؤیت روی محبوب عنوان شده است:

دگر آفتابِ رویت، منمای آسمان را که قمر ز شرمساری، بشکست چون هلالی
(غ ۵۹۳/ب ۱۰)

۳۲-۱-۴. مدح شبیه به ذم

گوینده ابتدا در مصراع اول به رد یا سلب تشبیه می‌پردازد و سپس در ادامه، مشبه را به چیز دیگری که برتر از مصراع اول است، تشبیه می‌کند:

نگویمت که گلی بر فراز سرو روان که آفتاب جهان‌تاب بر سر علمی
(غ ۵۹۶/ب ۸)

یا بیت زیر که در مصراع اول، مشبه را با وجود مضرات و خطراتی که دارد، باز هم مستحسن و مطلوب می‌داند و این امر را در مصراع دوم بازگو می‌کند؛ چراکه آن را با وجود معایب و خطراتش به امری مطلوب و خواستنی تشبیه می‌کند:

یار زیبا گر هزارت وحشت از وی در دل است بامدادان روی او دیدن، صباح مقبل است
(غ ۷۳/ب ۲)

۳۳-۱-۴. تشبیه مضمّر تفضیلی

در این نوع تشبیه، تشبیه تفضیل در دل تشبیه مضمّر نهاده شده است؛ به گونه‌ای که در ظاهر امر، شنونده بیت به تشبیه موجود در آن پی‌نمی‌برد؛ اما در واقع نوعی تشبیه مضمّر تفضیلی در آن قرار دارد:

دگر نه عزم سیاحت کند نه یاد وطن کسی که بر سر کویت مجاوری آموخت
(غ ۳۲/ب ۱۰)

به یادگار کسی دامن نسیم صبا گرفته‌ایم و دریغا که باد در چنگ است
(غ ۷۱/ب ۵)

بر آتش عشقت آب تدبیر چندانکه زدیم باز نشست
(ب ۴۱/ب ۲)

۳۴-۱-۴. تفضیل مبتنی بر استبعاد

در این شیوه، گوینده از طریق صنعت استبعاد، بین خود و مشبه بسیار فاصله می‌بیند و به نوعی آن را دست‌نیافتنی می‌انگارد:

تحلیل ساختاری انواع تشبیه تفضیل در غزلیات سعدی _____ ۳۲۵

چون تویی را چو منی در نظر آید هیهات که قیامت رسد این رشته به هم یا نرسد

(غ ۱۸۹/ب ۴)

لب سعدی و دهانت ز کجا تا به کجا اینقدر بس که رود نام لبِت بر دهنم

(غ ۴۰۹/ب ۱۲)

سعدی نگفتمت که به سرو بلند او مشکل توان رسید به بالای پست ما؟

(غ ۲۳/ب ۶)

سعدی به قدر خویش تمنای وصل کن سیمرغ ما چه لایق زاغ آشیان توست؟

(غ ۵۶/ب ۱۰)

تو درخت خوب منظر همه میوه‌ای ولیکن چه کنم به دست کوتاه که نمی‌رسد به سیبیت؟

(غ ۲۹/ب ۷)

۳۵-۱-۴. تفضیل مبتنی بر استفهام انکاری و تأکیدی

در این شیوه، گوینده با خطاب قرار دادن مشبه (معشوق)، از طریق سؤالات بدون پاسخ، در قالب استفهام انکاری، بر برتری مشبه تأکید می‌ورزد. نمونه‌های این نوع تشبیه در غزلیات سعدی فراوان است:

در صورت و معنی که تو داری چه توان گفت؟ حسن تو ز تحسین تو بسته است زبان را

(غ ۱۸/ب ۴)

تو بت چرا به معلم روی که بتگر چین به چین زلف تو آید به بتگری آموخت؟

(غ ۳۲/ب ۴)

دنیای به چه کار آید و فردوس چه باشد از بار خدا به ز تو حاجت نتوان خاست

(غ ۴۶/ب ۶)

کدام سرو سهی راست با وجود تو قدر؟ کدام غالیه را پیش خاک پای تو بوست؟

(غ ۹۱/ب ۸)

چون میسر شده‌ای ای در ز دریا برتر؟ چون به دست آمده‌ای ای لقمه از حوصله بیش؟

(غ ۳۳۹/ب ۴)

- نفس را بوی خوش چندین نباشد مگر در جیب دارد ناف آهو؟
(غ ۴۷۹/ب ۷)
- کدام باغ چو رخسار تو گلی دارد؟ کدام سرو کند با قدت سرافرازی
(غ ۵۷۶/ب ۴)

۳۶-۱-۴. تفضیل مبتنی بر رجوع (بازپس گرفتن سخن)

گوینده، ابتدا مشبه را به مشبه‌بھی تشبیه می‌کند؛ اما بلافاصله تشبیه خود را پس می‌گیرد. او پس از بازپس‌گیری تشبیه، یا دلیل بازپس گرفتن تشبیه را در قالب توضیح اضافی در مورد مشبه بیان می‌کند یا آن را به چیزی دیگر تشبیه می‌کند:

- عیش است بر کنار سمن‌زار خواب صبح؟ نی، در کنار یار سمن‌بوی، خوش تر است
(غ ۶۹/ب ۲)
- چو سرو در چمنی راست در تصور من چه جای سرو که مانند روح در بدنی
(غ ۶۰۳/ب ۲)
- گویم قمری بود کس از من نپسندد باغی که به هر شاخ درختش قمری بود
(غ ۲۶۱/ب ۵)

۳۷-۱-۴. تشبیه مبتنی بر اعراض

در این شکل از تشبیه تفضیل، گوینده مشبه‌به‌ها را یکی‌یکی و پشت سرهم نام می‌برد و از آن‌ها اعراض می‌کند و در پایان، پس از اعراض از همگی آن‌ها، به مشبه روی می‌آورد:

- حدیث روضه نگویم، گل بهشت نبویم جمال حور نجویم، دوان به سوی تو باشم
(غ ۴۰۳/ب ۵)

۵. نتیجه‌گیری

تشبیه تفضیل، نوع خاصی از تشبیه است که بسیار گسترده‌تر از آن چیزی است که در کتب بلاغی مطرح شده است. این نوع تشبیه دارای ساخت‌های متنوع و شیوه‌های گوناگونی است که نوعی اغراق هنری را ایجاد می‌کند. در این مقاله، با انتخاب غزلیات سعدی، این نوع خاص از تشبیه بررسی شد. با توجه به اینکه جامعه آماری این پژوهش

تحلیل ساختاری انواع تشبیه تفضیل در غزلیات سعدی _____ ۳۲۷

۶۳۷ غزل است، با کمک فرمول «کوکران» و به شیوه تصادفی نظام‌مند، تعداد ۲۵۴ غزل از غزلیات سعدی انتخاب شد که شامل ۲۵۳۶ بیت می‌شود. نتایج حاصل از بررسی این ابیات به شرح زیر است:

۱-۵. بسامد به کارگیری این نوع تشبیه در غزلیات سعدی بالاست؛ به طوری که از میان ۲۵۳۶ بیت آن، ۳۱۵ بیت را دربرمی‌گیرد که حدوداً ۱۲ درصد از کل این ابیات را شامل می‌شود.

۲-۵. در این ۳۱۵ بیت، تشبیه تفضیل با تنوع بسیار و به شکل‌های کاملاً مختلف و خلاقانه‌ای به صورت ۳۷ الگوی ساختاری به کاررفته که حکایت از خلاقیت سعدی و قدرت او در تصویرسازی دارد. البته برخی از ابیات به دو قالب نیز منطبق هستند.

۳-۵. این نوع تشبیه با توجه به این بسامد بالا و این تنوع شکلی و ساختاری، یکی از ارکان اصلی غزلیات سعدی و ویژگی سبکی او محسوب می‌شود که توجه به آن ضروری است.

۴-۵. تشبیه تفضیل در غزلیات سعدی، تنها یک شیوه برای نوسازی شعر و تشبیه نیست، بلکه یکی از عناصر ضروری در غزلیات اوست؛ زیرا سعدی برای ساخت و تجسم معشوق دست‌نایافتنی خود، به شیوه‌های مختلفی از این ساخت‌ها بهره برده است.

۵-۵. این نوع تشبیه، در غزل سعدی موجب خلق معشوقی دست‌نایافتنی و خاص در شعر او شده که به هیچ تشبیه و مشبه‌بھی تن نمی‌دهد.

۶-۵. از دیگر کارکردهای این نوع تشبیه در شعر او علاوه بر نشان دادن قدرت سعدی در تصویرآفرینی و خیال‌پردازی، نوعی برجسته‌نمایی، بزرگ‌نمایی، مدح و توصیف اغراق‌گونه مشبه است.

از لحاظ سبک فردی سعدی علاقه بیشتری به کاربرد تشبیه تفضیل از طریق تفضیل مبتنی بر تجاهل‌العارف، اعتراف به بزرگی و عظمت مشبه و قابل‌وصف نبودن آن و در مقابل خوارداشت و بی‌رونقی مشبه‌به در برابر مشبه و استغنا و بی‌نیازی مشبه دارد.

منابع

- آقا حسینی، حسین؛ سیدان، الهام (۱۳۹۲). «بررسی جایگاه تشبیه و تمثیل در اندیشه‌های تعلیمی سعدی». پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. ۱۹ (۵). ۲۸-۱.
- اسدی، علیرضا؛ حسینی، سارا (۱۳۹۸). «کارکرد تشبیه در فضاسازی رمان سمفونی مردگان». دانشگاه سمنان: مطالعات زبانی و بلاغی. ۱۰ (۱۹). ۵۰-۲۵.
- بارانی، محمد (۱۳۹۱). «تکرار در معانی عاطفی و زبان هنری غزلیات سعدی». دانشگاه سیستان و بلوچستان: پژوهشنامه ادب غنایی. ۱۸ (۱۰). ۵۰-۲۹.
- بهزادی اندوهجردی، حسین (۱۳۷۵). بدیع «فنون و آرایش‌های ادبی». چ ۱. تهران: دانشگاه آزاد.
- تاج‌الحلاوی، علی بن محمد (۱۳۴۱). دقایق‌الشعر. مصحح سید محمد کاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.
- تجلیل، جلیل (۱۳۸۵). معانی و بیان. چ ۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- تقوی، نصرالله (۱۳۶۳). هنجارگفتار. چ ۲. اصفهان: فرهنگ سرای اصفهان.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۶۱). اسرارالبلاغه. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حکیم‌آذر، محمد (۱۳۹۰). «اسلوب معادله در غزل سعدی». پژوهشنامه زبان و ادب فارسی. ۹ (۳). ۱۸۴-۱۶۳.
- ذکایی بیضایی، نعمت‌الله (۱۳۶۶). تقدالشعر. چاپ اول. تهران: ما.
- رازی، شمس قیس (۱۳۷۳). المعجم فی معاییر اشعار عجم. تصحیح سیروس شمیسا. چ ۱. تهران: فردوس.
- رامی تبریزی، شرف‌الدین حسن بن احمد (۱۳۸۵). حقایق‌الحقائق، تصحیح سید محمد کاظم امام، چ ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- رجایی، محمد خلیل (۱۳۵۹). معالم‌البلاغه. چ ۳. دانشگاه شیراز.
- روحانی، مسعود؛ مهدی‌نیا چوبی، محسن (۱۳۹۰). «شیوه‌های نو سعدی در استفاده از تشبیه و استعاره در غزل»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). ۱ (۴). ۲۴۲-۲۲۳.
- سارلی، ناصر قلی (۱۳۸۵). «ماهیت و زیبایی‌شناسی تشبیه مقلوب». پژوهش‌های ادبی. (۱۴). ۷۱-۵۳.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۶). کلیات سعدی. به اهتمام محمد علی فروغی. چ ۱۴. تهران: امیرکبیر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۸). صورخیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- شمشیرگرها، محبوبه (۱۳۹۱). «عنصر خطاب در غزل سعدی». فصلنامه زبان و ادبیات فارسی. ۷۲ (۲۰). ۵۱-۲۵.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). معانی و بیان. چ ۸. تهران: فردوس.

- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۶). آئین سخن. ج ۱۳. تهران: ققنوس.
- طالبیان، یحیی (۱۳۸۴). «بررسی تشبیه تفضیل در شعر عماد فقیه». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۲۲ (۴۲): ۸۱-۹۰.
- علوی مقدم، محمد؛ اشرف‌زاده، رضا (۱۳۷۶). معانی و بیان. ج ۱. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب انسانی دانشگاه‌ها.
- فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۸۹). بلاغت تصویر. ج ۲. تهران: سخن.
- فخری اصفهانی، شمس (۱۳۸۹). معیار جمالی و مفتاح ابواسحاق. تصحیح یحیی کاردگر، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- قزوینی، خطیب (۱۳۸۸). تلخیص المفتاح، ترجمه احمد امینی. ج ۱. سنندج: علمی کالج.
- کزازی، میر جلال‌الدین (۱۳۶۸). زیبایی‌شناسی سخن پارسی (بیان)، ج ۱. تهران: مرکز.
- مازندرانی، محمدهادی (۱۳۷۶). انوارالبلاغه. به کوشش محمد علی غلامی نژاد. ج ۱. تهران: مرکز فرهنگی نشر قبله.
- مجد، امید؛ مهدوی فر، سعید (۱۳۸۹). «نگاهی تازه به تشبیه تفضیل». ادب فارسی. ۳ (۱): ۲۷۵-۲۵۹.
- محمدی، حمید (۱۳۹۲). آشنایی با علوم بلاغی (معانی، بیان، بدیع). ج ۵. قم: دارالعلم.
- مردوخی، معد (۱۳۷۸). علوم بلاغی «بیان، معانی، بیان»، ج ۱. سنندج: ژیار.
- میرزا نجفقلی (۱۳۶۲). دره نجفی. مصحح حسین آهنی با دو مقدمه از امیری فیروز کوهی و مهدی حمیدی. ج ۱. تهران: فروغی.
- واعظ کاشفی سبزواری، کمال‌الدین حسین (۱۳۶۹). بدایع الافکار فی صنایع الاشعار. ویراست میر جلال‌الدین کزازی. تهران: مرکز.
- وواط، رشیدالدین محمد (۱۳۶۲). حدایق السحر فی دقایق الشعر. تصحیح عباس اقبال. تهران: سنایی / طهوری.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۳۱). مدارج البلاغه در علم بدیع. ج ۱. شیراز: کتابفروشی معرفت شیراز.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۶). فنون بلاغت و صناعات ادبی. ج ۲۷. تهران: هما.

References

- Agha Hoseyni, Hosseyn, and Seyedan, Elham (2013). "Examining the Role of Simile and Allegory in Saadi's Didactic Thoughts". Educational Literature Research Journal, (19). 1-28.
- Alavi-Moghaddam, Mohammad, and Ashrafzadeh, Reza (1997). Rhetoric and Figures of Speech. 1st edition. Tehran: SAMT Press.

- Asadi, Alireza, and Hoseyni, Sara (2019). "The Function of Simile in Creating Atmosphere in the Novel Symphony of the Dead". *Linguistic and Rhetorical Studies*, (19). 25-50.
- Barani, Mohammad (2012). "Repetition in Emotional Meaning and Artistic Language in Saadi's Sonnets". *Lyrical Literature Research Journal*, University of Sistan and Baluchestan, (18). 29-50.
- Behzadi Anduhjerdi, Hoseyn (1996). *Rhetoric: Arts and Literary Devices*. 1st edition. Tehran: Islamic Azad University Press.
- Fakhr Isfahani, Shams (2010). *Criteria of Beauty (Mi'yar-e Jamali and Miftah-e Abu Ishaqi)*. Edited by Yahya Kardgar. Tehran: Library, Museum, and Archives of the Islamic Consultative Assembly.
- Fotouhi Rudmajeni, Mahmoud (2010). *Imagery in Rhetoric*. 2nd edition. Tehran: Sokhan Press.
- Hakim-Azar, Mohammad (2011). "The Equation Technique in Saadi's Sonnets". *Persian Language and Literature Research Journal*, (9). 163-184.
- Hedayat, Rezagholi Khan (1952). *Madarej al-Balagha in Rhetoric Sciences*. 1st edition. Shiraz: Marifat Shiraz Bookstore Press.
- Homaei, Jalal al-Din (2007). *Rhetoric Techniques and Literary Devices*. 27th edition. Tehran: Homa Press.
- Jorjani, Abd al-Qaher (1982). *Asrar al-Balagha*. 1st edition. Tehran: Tehran University Press.
- Kazazi, Mir Jalal al-Din (1989). *The Aesthetics of Persian Speech (Bayaan)*. 1st edition. Tehran: Markaz Press.
- Khatib Qazvini (2009). *Takhlis al-Miftah*. Translated by Ahmad Amini. 1st edition. Sanandaj: College Scientific Press.
- Majd, Omid, and Mahdavifar, Saeed (2010). "A Fresh Look at Comparative Similes". *Persian Literature Journal*, (3). 259-275.
- Mardoukhi, Mo'ed (1999). *Rhetorical Sciences: Eloquence, Meaning, and Figures of Speech*. 1st edition. Sanandaj: ziar Press.
- Mazandarani, Mohammad Hadi (1997). *Anwar al-Balagha*. Edited by Mohammad Ali Gholami-Nejad. 1st edition. Tehran: Qibla Cultural Center Press.
- Mirza Najafqoli (1983). *Dorreh Najafi*. Edited by Hossein Ahani, with introductions by Amiri Firuzkouhi and Mehdi Hamidi. 1st edition. Tehran: Foroughi Press.
- Mohammadi, Hamid (2013). *An Introduction to Rhetorical Sciences (Ma'ani, Bayan, Badi')*. 5th edition. Qom: Dar al-Elm Press.
- Rajai, Mohammad Khalil (1980). *Ma'alem al-Balagha*. 3rd edition. Shiraz: University Press.

- Rami Tabrizi, Sharaf al-Din Hassan ibn Ahmad (2006). *Haqayiq al-Hada'iq*. Edited by Seyyed Mohammad Kazem Emami, 2nd edition. Tehran: Tehran University Press.
- Razi, Shams Qeys (1994). *Al-Mo'jam Fi Ma'ayir Ash'ar Ajm*. Edited by Sirus Shamisa. 1st edition. Tehran: Ferdows Press.
- Rouhani, Masoud, and Mahdiniya Chubi, Mohsen (2011). "Saadi's Innovative Use of Similes and Metaphors in Sonnets". *Specialized Quarterly on Persian Stylistics*, (1). 223–242.
- Saadi, Mosleh al-Din Abdullah (2007). *Complete Works of Saadi (Kulliyat-e Saadi)*. Edited by Mohammad Ali Foroughi. 14th edition. Tehran: Amirkabir Press.
- Safa, Zabihollah (1987). *The Art of Speech (Ayin Sokhan)*. 13th edition. Tehran: Qoqnoos Press.
- Sarli, Naser Qoli (2006). "The Nature and Aesthetics of Reverse Similes". *Literary Research Journal*, (14). 53–71.
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza (1979). *Imagery in Persian Poetry*. Tehran: Agah Press.
- Shamisa, Sirus (2004). *Rhetoric and Figures of Speech*. 8th edition. Tehran: Ferdows Press.
- Shamshirgarha, Mahbubeh (2012). "The Element of Address in Saadi's Sonnets". *Persian Language and Literature Quarterly*, 72(20): 25–51.
- Taghavi, Nasrollah (1984). *Standards of Speech*. 2nd edition. Isfahan: Isfahan Cultural Center.
- Taj al-Halavi, Ali ibn Mohammad (1962). *Daqayeq al-She'r*. Edited by Seyyed Mohammad Kazem Emami. Tehran: Tehran University Press.
- Tajlil, Jalil (2006). *Rhetoric and Figures of Speech*. 1st edition. Tehran: University Publishing Center.
- Talebayan, Yahya (2005). "Examining Comparative Similes in Imad Faqih's Poetry". *Journal of Social and Human Sciences*. Shiraz University, (22). 81–90.
- Wa'ez Kashifi Sabzevari, Kamal al-Din Hoseyn (1990). *Badaye' al-Afkar Fi Sanaye' al-Ash'ar*. Edited by Mir Jalal al-Din Kazazi. Tehran: Markaz Press.
- Watawat, Rashid al-Din Mohammad (1983). *Hadaye' al-Sehar Fi Daqayeq al-She'r*. Edited by Abbas Eqbal. Tehran: Sana'i/Tahoori Press.
- Zakai Beyzai, Nematollah (1987). *Critique of Poetry (Naqd al-Sho'ar)*. 1st edition. Tehran: Ma Press.

